

# بازشناسی سیمای فردی امام حسین در زیارت ناحیه

<"xml encoding="UTF-8?">

با وقوع حماسه کربلا، زنجیره نهضت‌های شیعی پدید آمد. این حادثه نه تنها الگویی حماسی - ارزشی برای شیعه به میراث داشت بلکه انسجام و قوام سیاسی - اجتماعی شیعیان را نیز موجب گردید. «خر بوطلی» یکی از دانشمندان معاصر در همین رابطه می‌نویسد: «شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا بزرگترین حادثه تاریخی بود که منجر به تشکیل و تبلور شیعه گردید و سبب شد که شیعه به عنوان یک سازمان قوی با مبادی و مکتبی سیاسی - دینی مستقل در صحنه اجتماع اسلامی آن روز جلوه کند. (1)»

## فرهنگ سازان عاشورا

اما واقعیت آن است که اگر ابعاد کربلا به وسیله بازماندگان و میراث داران آن حادثه تاریخی ترویج نمی‌گردید، این قیام نیز به مانند برخی حوادث دیگر به بوته فراموشی سپرده می‌شد. در حقیقت چنانچه نهضت ترویج عاشورا از زمان ورود اسرا به کوفه آغاز نمی‌گردید، حادثه کربلا نمی‌توانست در برابر آماج تبلیغات مخرب اموی و جوسازی آنان پایداری نماید و بی‌تردید به درد تحریف دچار می‌گردید. از این رو است که پیام‌های پرشور زینبی، سیره امام سجاد علیه السلام در یادآوری حادثه خونبار عاشورا، جلسات نوحه و ندبه امام باقر علیه السلام و روایات و عملکرد دیگر ائمه علیهم السلام خطی واحد در فرهنگ سازی را پدید می‌آورد. حرکتی که کوشش دارد با تشویق مردمان، به ویژه شیعیان، مسیر سرخ عاشورا را از نسیان تاریخی حفظ نماید. بر همین اساس است که زیارت قبر سید الشهداء با تمام موانع و خفکان موجود واجب شمرده می‌شود و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان زیارة قبر الحسين واجبة على الرجال والنساء؛ (2) زیارت مرقد امام حسین علیه السلام بر زنان و مردان واجب است.»

## فرهنگ سازی مکتوب

در کنار این تاکید‌ها امامان شیعه به یک فرهنگ شفاهی بسنده ننمودند، بلکه با فراهم آوری زیارت نامه‌ها به پدید آوردن یک فرهنگ مکتوب نیز یاری رساندند. این زیارت‌ها که ثمره سیره و گفتار ایشان بود، به وسیله راویان مکتوب گردید و ذخیره ای ارزشمند - با سطوح مختلف - را برای نسل‌های آینده به وجود آورد. در این بین زیارت‌های عاشورایی از حال و هوا و ظرافت‌های ویژه ای برخوردارند. در این متون، اهداف، حماسه‌ها، تداوم ارزش‌ها، روش شناسی دشمنان در محو ارزش‌ها و... بر شمرده می‌شود و با زبانی هماهنگ به یادآوری و نهادینه سازی فرهنگ عاشورا پرداخته می‌شود که این همگی، حکایت از تدبیر و دوراندیشی فرهنگ سازان این عرصه دارد. با گذر از عصر ائمه، عالمان شیعه به جمع آوری و باب بندی روایات و اخبار پرداختند و در این میان زیارات نیز مورد توجه قرار گرفت. پدید آمدن کتاب‌های دعا و زیارت‌نامه‌ها به وسیله عالمانی همچون شیخ مفید صاحب المزار، علم الهدی صاحب مصباح الزائر و شیخ طوسی صاحب مصباح المتهجد، نشان از اهمیت این مقوله نزد

این اندیشمندان دارد. این مسئله در قرنهای بعد نیز با کتابهایی همچون کامل الزیارات، المزار الکبیر و . . . پی گرفته شد و همچنان نیز با قالبهای گوناگون تا کنون به حیات خود ادامه داده است که آخرین نمونه آن را می توان مفاتیح الجنان به حساب آورد.

## زیارت ناحیه

همانگونه که پیشتر اشاره شد، زیارتنامه ها دارای سطوح معرفتی مختلف بوده، از حیث ژرفایی و عمق مطالب با یکدیگر متفاوت هستند. از زاویه محتواشناسی و زیبایی واژگان، در بین زیارات موجود «زیارت ناحیه» از جمله متون دل انگیز و ژرفی به شمار می رود که منتسب به ناحیه امام عصر علیه السلام می باشد. علامه مجلسی این زیارت را - با اندک تفاوتهایی - از شیخ مفید، سید مرتضی و محمد بن المشهدی صاحب المزار الکبیر نقل می کند و پس از سخن مولف المزار الکبیر مبنی بر خروج این زیارت از ناحیه مقدسه امام آخر می نویسد: «والاظهر ان هذه الزيارة منقولة مروية؛ (3) روشن است که این زیارت دارنده سند روایتی از امام معصوم است.» در هر حال آنچه در این نوشتار در پی آن خواهیم بود گذری بر این گنج معنوی و بازشناسی سیمای فردی سید الشهداء در این زیارت گرانقدر است.

## 1. نسب شناسی

در بحث از نسب، زیارتنامه ها بر دو نسب تکیه می کنند که در این صورت ضمن توسعه در مفهوم این واژه، حکایتی پندآموز را نیز به دنبال دارد.

### الف - سلسله الهی:

در ابتدای برخی از زیارات حضرت امام حسین علیه السلام به ویژه زیارت ناحیه، آنچه برای ورود زائر پسندیده آمده است سلام بر انبیاء الهی است: «السلام علی آدم صفوة الله، السلام علی شیث . . . السلام علی ابراهیم و . . .» (4) این سلسله به همراه دروذهای متصل و برشمردن صفات نیکوی هر کدام از این برگزیدگان ادامه می یابد تا به «السلام علی محمد حبیب الله وصفوته؛ (5) سلام بر محمد، دوست برگزیده خدا.» می رسد. از این پس نیز سلامها به امیرمؤمنان، فاطمه زهرا، امام حسن و بالاخره سید الشهداء هدیه می شود. با پس زنی حجابها آنچه از میان این باغستان پر نشاط سلامها برمی آید، در واقع تنها عرض ادبی خالی نیست بلکه در این بین می توان «اتحادی معنوی» را نتیجه گرفت. فقرات زیارت به ما این گونه می فهماند که امام شهید در پیوندی معنوی با سلسله ای الهی است. او نسب به آدم نه از حیث صلب بلکه از حیث پیام آوری و رسالت داری می برد. به تعبیری او دارنده همه خوبیهای است که آن شریفان داشته اند. مگر نیست که او مصباح هدایت است و سفینه نجات و انبیاء نیز چنین بوده اند. قرآن کریم می فرماید: «وجعلناهم ائمة یهدون بامرنا»؛ (6) آنان را امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت کنند.

مگر نیست که او در راه حق، ترسی نمی شناسد و می گوید: «لو لم یکن فی الدنیا ملجا ولا ماوی لما بایعت یزید ابن معاویه؛ (7) اگر در دنیا پناه و پناهگاهی نباشد با یزید بن معاویه بیعت نمی کنم.»

و انبیاء نیز اینچنین هستند. قرآن کریم می فرماید: «الذین یبلغون رسالات الله ویخشونه ولا یخشون احدا الا الله»؛ (8) «آنانکه رسالتهای الهی را رسانند و از او ترسند و از هیچ کس جز خدا نترسند.»

همو است که فریاد برمی آورد: «ارید ان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر؛ (9) فرمان به نیکها و نهی از زشتیها را

خواستارم .»

و انبیاء نیز از همین جام جرعه نوش شهادتند و رنگ آن می پذیرند . قرآن کریم درباره دشمنان پیامبران می فرماید: «و یقتلون الذین یامرون بالقسط من الناس» ؛ (10) «و مردمی را که به عدالت امر می نمایند به قتل می رسانند .»

او طاغوت می شکند و بعثت انبیاء نیز بر همین تعلق گرفته است . «ولقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت» ؛ (11) «در هر امتی رسولی برگزیدیم تا مردمان را به عبادت خدا و پرهیز از طاغوت دعوت نمایند .»

او رهایی عباد را از «زندان جهالتها» می طلبد . در زیارت می خوانیم: «وبذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة وحيرة الضلالة» ؛ (12) خون خویش را در راه آزادی بندگان از جهالت و سرگردانی آنان در گمراهی نثار کرد .»

انبیاء نیز پیوند خویش را با خدا اینچنین استوار می کنند: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم ویعلمهم الکتاب والحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» ؛ (13) «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می خواند، تزکیه می کند و کتاب و حکمت می آموزد و مسلما پیش از این در گمراهی آشکار بودند .»

و این نیز بگذاریم و بگذریم تا شاید در آنچه آینده خواهد آمد بتوانیم گوشه هایی دیگر را بپیماییم . و این همه نشانگر آن است که از نخست انبیاء تا حسین علیهم السلام همه عضو قبیله ای الهی و حزب رحمانی می باشند و چه نسبی شریفتر و برتر از این می توان یافت .

ب - سلسله صلبی

در این بخش، زیارتنامه ها بیشتر با ظرافتی ویژه به نسب او از حضرت خاتم می پردازد: «السلام علی ابن خاتم الانبیاء، السلام علی ابن سید الاوصیاء، السلام علی ابن فاطمة الزهراء، السلام علی ابن خدیجة الکبری . . .» (14) در مقام کنونی نیز شاید آنچه بیش از سلسله صلبی قابل ملاحظه باشد همین پیوند معنوی است، چرا که آنچه پس از این مورد تاکید قرار می گیرد صعود به جنبه های معنوی است، آنجا که باید گفت: «السلام علی ابن سدرۃ المنتهی، السلام علی ابن جنة الماوی، السلام علی ابن زمزم والصفاء» (15)

بلکه اگر گامی فراتر نهیم این درودها وارد جنبه هایی عمیق تر می شوند و علت این همه سپاس را در مجاهدتی خونین، صبری ستبر و عصمتی به همراه اصحاب کساء می جویند: «السلام علی المرمل بالدماء، السلام علی المهتوک الخباء، السلام علی خامس اصحاب اهل الکساء» ؛ (16) سلام بر آن که پیکرش به خون آغشته گردید، سلام بر آن کس که حرمت خیمه گاهش شکسته شد، سلام بر پنجمین از اصحاب کساء .»  
و چه زیبا و عارفانه است این سلامها و چه شعله ای می اندازد به خرمن خرد و عاطفه .

2 . در مهد

شاید یکی از زیاراتی که به صورتی کوتاه بر محور نوزادی حضرت گردشی کوتاه دارد همین زیارت است . در بخشی از آن می خوانیم: «السلام علی من افتخر به جبرئیل، السلام علی من ناغاه فی المهد میکائیل» ؛ (17) سلام بر آن که جبرئیل به او افتخار می کرد . سلام بر آن کس که میکائیل با او در گهواره سخن می گفت و شادمانش می ساخت .»

اگر چه برای بسیاری معلوم نیست که کیفیت این ماجرا به چه گونه است؟ و در تفسیر این بخش بایستی از کجا سود جست؟ اما دست کم این ماجرا نشان از حضور ملکوتی و خادمانه فرشتگان در پیشگاه این خاک نشینان لاهوتی دارد .

### 3 . ویژگی حاکم در زندگانی

در دوران زندگی، قیام و شهادت امام حسین بن علی علیه السلام، آن اصل حاکم و غیرقابل نفوذی که همچون پرتویی قدرتمند وی را تحت تاثیر قرار می داده است، اطاعت از خدا، پیروی از رسول خدا و شنوایی آگاهانه از وصی خدا و پایبندی به یت حجت خدا بوده است . این اصل الگو در لسان زیارت این چنین آمده است: «وکننت لله طائعا ولجذک محمدصلی الله علیه وآله تابعا ولقول ابیک سامعا والی وصیة اخیک مسارعا؛ (18) تو فرمانبردار خداوند و پیروی کننده جدت محمدصلی الله علیه وآله و پذیرای گفتار پدرت و پیشی گیرنده به انجام وصیت برادرت بودی .»

یا آنجا که می گوید: «سالکا طرائق جدک وایک، مشبها فی الوصیة لایک؛ (19) تو پوینده راه جد و پدرت و در سفارشها همانند برادرت بودی .»

بی گمان این قانون و الگو، برای هر آزادپخواه طرفدار مکتب خونین حسین علیه السلام خط کشی بی خطا و معیاری بی اشتباه است .

### 4 . بندگی

در فرهنگ اسلامی، از جمله محکهای بازشناسی عیار انسانیت برپاداری تکالیف الهی است . و حسین علیه السلام بر اساس زیارت حاضر، تکالیف خویش را در سه عرصه عبادی فردی، اقتصادی و اجتماعی، به نیکی به سرانجام می رساند؛ چنانچه می خوانیم: «اشهد انک قد اقامت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر والعدوان؛ (20) گواهی می دهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات داده به نیکی فرمان و از زشتی و تجاوز بازداشتی .»

برپایه این زیارت، بندگی در اقامه نماز به تنهایی حاصل نمی گردد بلکه آن کس طعم شیرین عبودیت و بندگی را می چشد که در تمامی عرصه ها سر بر آستان الهی بساید و در میانه شبهای تار شب را زنده داشته، خاضعانه و خاشعانه در رکوع و سجده ای طولانی راه عزت بپیماید . «كنت . . . متهجدا فی الظلم . . . طویل الركوع والسجود؛ (21) اهل تهجد در تاریکیها بودی و رکوعها و سجده های طولانی داشتی .»

### 5 . پاکیزگی معنوی

در زمانه ای که اشباح شیطانی جن و انس با هجوم همه جانبه شان بدعتها را رواج و سنتهای اصیل را به عقب می راندند و لغزشگاههای بسیار و دره های هولناکی را فرا روی مؤمنان قرار می دادند، بایستی کسی می بود تا همچون دژی تسخیرناپذیر مظهر طهارت و پاکی باشد . و پنجمین اصحاب کساء مصداق همین پاکی است و بایستی به او خطاب کرد: «السلام علی من طهره الجلیل؛ (22) سلام بر آن کسی که خدای بزرگ او را پاک و مطهر قرار داد .» چرا که او دارنده سند بندگی است با مهری از اخلاص و همین است که احساس شیطان در پیشگاه او عجز و حقارت است . همان شیطان که گفت: «فبعزتک لاغوینبهم اجمعین الا عبادک منهم المخلصین» ؛ (23)

«به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان از بین آنان که خالص شده اند.»

## 6 . شکیبایی و حسابگری

در راهی که سرور شهیدان برگزید و بر آن راه هر چه داشت گذاشت، دو خصلت مدام در کنار یکدیگر می بایست باشند تا بیمه گر سعادت گردند . چه، کاستی در هر کدام باعث نابودی سرمایه و هدر رفتن توان است . این دو یار جدا ناشدنی در طریقت حسینی، شکیبایی و حسابگری با خداست . حسین کالای هستی خویش را به بازار کسی جز خدا نمی برد، همان خدا که سند معامله با مؤمنان را امضاء کرده و فرموده است: «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة» ؛ (24) «خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را خریداری کرده، که [در برابر آن] بهشت برای آنان باشد.»

او از جد، پدر و مادرش به خوبی آموخته است که کالای او را جز خدا اجر نمی دهد . همان خدایی که فرمود: «ما اسئلكم عليه من اجر ان اجرى الا على رب العالمين» ؛ (25) «من در برابر این دعوت از شما اجری نمی طلبم، اجر و پاداش من فقط بر پروردگار عالمیان است.» و از آن سو راه بازار خدا، سخت است و مرکبی جز شکیبایی نمی طلبد و او چه نیکو به این هر دو عامل بود که خود نیز بر همین راه رفت و گفت: «اللهم صبرا واحتسابا فیک؛ (26) خداوند! به خاطر صبر و حسابگری در راه تو [چنین می کنم].» پس حق است که در خطاب به او چنین بگوئیم: «السلام على المحتسب الصابر؛ (27) سلام بر حسابگر صبر کننده.»

## 7 - بر ساحل صفات

در فرازهایی از زیارت، کشتی صبر، طاقت از کف می دهد و حیران و سرگشته بر ساحل صفات تنها به نظاره می نشیند؛ چرا که هر کدام کتابی گران وزن و گران سنگ و قلمی غیر از این قلمها می طلبد . پس بیایید با یکدیگر روحمان را بر بال پیوند زده از آسمان بر آنها بنگریم که تنها از این رهگذر حدی برای آنها متصور است . «کنت . . . قویم الطرائق، کریم الخلائق، عظیم السوابق، شریف النسب، منیف الحسب، رفیع الرتب، کثیر المناقب، محمود الضرائب، جزیل المواهب، حلیم رشید منیب جواد علیم امام شهید اواه حبیب مهیب؛ (28) تو اینچنین بودی . . . بر راههای استوار گام می نهادی، در بین مردمان بخشنده و بزرگواری بودی، گذشته ای با عظمت، نسبی شریف، حسبی والا و رتبه ای عالی داشتی . دارنده فضایل بسیار با سرشتهای ستایش شده و موهبتهای فراوان بودی و بردبار و کمال یافته، رو به سوی خدا کرده، بخشنده، دانا، راهبری شهید، زاری کننده و محبوب و دارای وقار بودی» .

در دل این همه بزرگی، صفات دیگری نیز یافت می شوند که از عهده این نوشتار کوتاه بیرون است .

## 8 . دار دنیا

در فرهنگ زیارت ناحیه، نگاه حسین علیه السلام به دنیا نیز کاویده می شود که به اختصار به پردازش این فراز نائل می شویم .

الف - گذرگاه، نه قرارگاه

بدیهی است که سنت حضرت رب بر حضور انسان در زمین تعلق گرفته است و این سرنوشتی است گریزناپذیر .

اما آنچه مهم است کوتاهی مدت قرار در این گذرگاه است، چه اینکه خداوند فرمود: «ولکم فی الارض مستقر ومتاع الی حین»؛ (29) «زمین برای شما تا مدتی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود.» از این رو دنیا پلی است برای عبور، نه قرارگاهی برای آسودن و غنودن. تعبیر رسا، کوتاه، شیوا و ارزشمند مولی الموحیدین نیز بر همین محور می چرخد که: «الدنیا، دار ممر لا دار مقر؛ (30) دنیا خانه گذر است، نه منزل قرار.»

سیمای حضرت سید الشهداء علیه السلام در این عرصه چنین شناسانده می شود که: «زاهدا فی الدنیا زهد الراحل عنها؛ (31) در دنیا همچون آنانکه در آستانه کوچ از دنیا هستند زهد ورزیدی.»

#### ب - نگاهی وحشت زده

حسین علیه السلام در قعر دره دنیا فرو نمی رود و بر دیوارهای نااستوار آن گام نمی نهد. او از پدر آموخته است که: «مثل الدنیا کمثل الحیة لین مسها والسم الناقع فی جوفها یهوی الیها الغر الجاهل ویحذرها ذو اللب العاقل؛ (32) دنیا چون ماری پوست نرم و سمی است. نادان نیرنگ خورده به او می گراید و هوشمند عاقل از آن می پرهیزد.» از این رو در زیارت ناحیه خطاب به امام حسین علیه السلام این ویژگی او را چنین بیان می کنیم: «ناظرا الیها بعین المستوحشین منها؛ (33) از دریچه نگاه وحشتزدگان به دنیا نگرستی.»

#### ج - بازداشت آرزوها

همگی ما طعم دنیا چشیده ایم و به روشنی آگاهیم که آرزو فرزند ماندگار دنیا است. تا دنیا باقی است، آرزو نیز از کنار مادر شیر می نوشد. اما هر که سر بر آستان حسین می گذارد باید بداند که زهد و بی نیازی، هر دو از پررنگترین رنگهای این مکتب است. و زهد به فرمایش مولای موحدان «کوتاه کردن آرزوست» (34) و بی نیازی یعنی ترک آرزو. (35)

در دانشگاه سید الشهداء مدرک شهادت داده می شود و در این راه می بایست واحدهای ایثار و نثار را گذراند. در کلاس مولایمان حسین علیه السلام این فرهنگ رایج است که: «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون»؛ (36) «هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید.» و این همه سخت با آرزو - این فرزند دنیا - ناسازگار است. پس باید همچون او بود که خطاب به او می گوئیم: «امالک عنها مکفوفة؛ (37) آرزوهایی از دنیا بازداشته شده است.»

#### د - زیورها

دنیا بسان نوعروسی است فریبنده و افسونگر، اگرچه متاعش ناپایدار است اما بسا افراد در دوستی اش یکدل و پایدارند و در به فراموشی سپردن فنا پذیریش متحد. اگر چه زندگانش کوتاه و ارزشش ناچیز است اما زیورهایش چشمها را کم کور نکرده است و کم انسانها را در پی خویش خسته و درمانده نساخته است. (38) و چه هشدار دارد کلام الهی در این باره که: «زین للناس حب الشهوات»؛ (39) «محبت شهوتها برای مردم زینت داده شده است.» مال و فرزند و زن و سیم همه زینتند اما در این سیاه بازار اوهام فریاد علی علیه السلام بلند است که «غری غیری؛ (40) دیگری را فریب ده.» و حسین علیه السلام که ادامه زندگانی او است، جز این نمی تواند باشد. پس او نیز همتش از زیورها و زینتهای دنیوی منصرف و به جهان باقی مایل است. «وهمتک عن زینتها مصروفة... و رغبتک فی الآخرة معروفة؛ (41) تلاشت از زیورهای دنیا بسوی دیگر بازگشته و گرایش به سوی آخرت بر همگان روشن است.» از این رو در عاشورا زینتهای اجباری این دنیا را به درخت بی زوال «باقیات الصالحات» پیوند می زند که خداوند فرمود: «المال والبنون زينة الحياة الدنيا والباقيات الصالحات خیر عند ربک ثوابا وخیر املا»؛ (42) مال و فرزندان زینت زندگی دنیا هستند و باقیات الصالحات ثوابش نزد پروردگارت بهتر و

امیدبخش تر است.»

حسین علیه السلام می خواهد در همه آزمایشها سرافراز باشد و این نیز عرصه آزمایش است. «واعلموا انما اموالکم واولادکم فتنة وان الله عنده اجر عظیم»؛ (43) «بدانید که اموال و اولاد شما وسیله آزمایش است؛ و پاداش عظیمی نزد خداست.»

ه - شادمانه ها

در اندیشه سرور کربلاییان، دنیا محل شادمانه هایی متضاد است. او در مکتب پدر آموخته است که دنیا هم مزرعه عذاب است و هم مزرعه نجات. این خانه می تواند پندآموز عبرت پذیران و زاد دهنده دوراندیشان باشد. دنیا سجده گاه دوستان خدا، نمازگاه فرشتگان و فرودگاه کلام خداست. اینجا همان جا است که بایستی به تجارت با خدا رفت و نفس را نه به ثمن بخش بلکه ثمن فروخت. حسین علیه السلام از شادمانه های دنیا اینچنین بهره می برد: همدمی با بیت و محراب. «وانت . . . جلیس البیت والمحراب؛ (44) همدم با خانه و محراب هستی.» او راه عزلت و بریدگی از شهوتها و لذات را می جوید. چنانکه در زیارت ناحیه می خوانیم: «معتزل عن اللذات والشهوات؛ (45) تو از لذتها و شهوات بریده ای.» او بر شادمانه های غیرخدایی یکسره چشم برمی بندد، چنانکه می خوانیم: «والحافظک عن بهجتها مطروفة؛ (46) توجهت از شادمانه های دنیایی بازداشته شده است.» و این بود حکایت حسین و دنیا.

9. لقبها

در اغلب زیارتها، سید شهیدان القاب خاصی را به خویشتن اختصاص داده است. این القاب را می توان به سه دسته کلی تقسیم نمود. از جمله:

الف - لقبهای منزلتی:

این گونه القاب و توصیفات بیشتر ناظر به مقام شناسی و منزلت یابی حضرت در خصوص عصمت و امامت است. از این رو می توان این جملات یا واژه ها را به عنوان مباحث کلامی زیارت، مورد شناسایی قرار داد. «السلام علی خامس اصحاب اهل الکساء؛ (47) سلام بر پنجمین نفر از اصحاب کساء.» یا «السلام علی حجة رب العالمین؛ (48) سلام بر حجت پروردگار جهانیان.»

ب - لقبهای جهادی:

این گونه لقبها بر جنبه های حماسی تاکید می نمایند و کنایه ای از شجاعت و سلحشوری مولا می باشند، مانند: «السلام علی یعسوب الدین؛ (49) سلام بر رئیس بزرگ (پادشاه) دین.» پردازش واژگان در این موارد به گونه ای است که به زیبایی خصیت حماسی سالار کربلا را به نمایش می گذارد. همچنین از آنجا که این گونه القاب در کنار لقبهای شهادتی و غم انگیز به کار می رود، فضایی متعادل و واقعی را فرا روی زائر باز می نماید.

ج - لقبهای شهادتی:

این لقبها ناظر به زوایای گوناگونی هستند، اما همگی در محور شهادت مظلومانه شریکند. مانند: «السلام علی غریب الغرباء؛ (50) سلام بر غریب غریبان.» که به تنهایی آن حضرت در هنگام جهاد و شهادت اشاره دارد و یا «السلام علی شهید الشهداء؛ (51) سلام بر شهید شهیدان.» یا «اکرم المستشهدین؛ (52) بزرگوارترین شهیدان.» که هر دو بر جایگاه شهادتی حضرت نظر دارند. در این میان برخی لقبها در عین آنکه اشاره ای کنایه آمیز به شهادت دارند، منزلت حضرت را پس از شهادت به بیان می نشینند. مانند: «السلام علی صاحب القبة السامية؛

(53) سلام بر صاحب بارگاه عالی رتبه .»

البته در این مجال اندک نمی توان بر بسیاری از القاب با تامل نگریست، اما بی گمان شرط ادب و کمال آن است که معرفت جویان در این راه نیز گامی نهند، که بی تردید هرکدام دفتری مستقل می طلبد و پژوهشی ژرف . از این رو نوشتار ما با توجه به تکلیف اختصار از بسیاری بحثها می گذرد، به امید آنکه ره پویان دیگر در این وسعت پرنشاط و طراوت خوشه ای از گلهای حسینی بر چینند . و ما از باب تیمن و عرض ادب دو شکوفه سلام را از باغ پرریحان زیارت ناحیه بر آن صاحب شافی عرضه می داریم: «السلام علی من جعل الله الشفاء فی تربته، السلام علی من الاجابة تحت قبته؛ (54) سلام بر آن کس که خداوند در تربتش شفا را قرار داد . و سلام بر آن کس که اجابت [خواسته ها] در بارگاه اوست .»

پی نوشت ها :

(1) خربوطلی، انقلابهای اسلامی، ترجمه عبد الصاحب یادگاری، ص 73، به نقل از پیامدهای اجتماعی نهضت حسینی، شمس الله مریجی، معرفت، شماره 59، ص 36 .

(2) کامل الزیارات، ص 237، ح 354 .

(3) بحارالانوار، ج 98، ص 328 .

(4) زیارت ناحیه مقدسه، ص 14 .

(5) همان، ص 18 .

(6) انبیاء/73 .

(7) العوالم العلوم، ص 178 .

(8) احزاب/39 .

(9) حیاة الامام الحسین بن علی، دراسة و تحلیل، ج 2، ص 264 .

(10) آل عمران/21 .

(11) نحل/36 .

(12) مفاتیح الجنان، زیارت اربعین .

(13) جمعه/2 .

(14) زیارت ناحیه مقدسه، ص 20 .

(15) همان، ص 22 .

(16) همان، ص 22 .

(17) همان، ص 30، جهت اطلاع بیشتر نک: بحارالانوار، ج 44، ص 188 . هرچند در این مورد از جبرئیل نام برده شده است نه میکائیل .

(18) زیارت ناحیه، ص 38 .

(19) همان، ص 42 .

(20) همان، ص 38 .

(21) همان، ص 42 و 44 .

- (22) همان، ص 30 .
- (23) ص/82 - 83 .
- (24) توبه/111 .
- (25) شعراء/164 .
- (26) موسوعة كلمات الامام الحسين، ص 402 .
- (27) زیارت ناحیه، ص 28 .
- (28) همان، ص 42 .
- (29) بقره/36 .
- (30) نهج البلاغه، حکمت 133، ص 656 .
- (31) زیارت ناحیه، ص 44 .
- (32) نهج البلاغه، حکمت 119، ص 653 .
- (33) زیارت ناحیه، ص 44 .
- (34) الزهادة قصر الامل». (نهج البلاغه، خطبه 81، ص 128) .
- (35) اشرف الغنى ترك المني؛ بالاترين بي نيازي ترك آرزوهاست .» (نهج البلاغه، حکمت 34، ص 630) .
- (36) آل عمران/92 .
- (37) زیارت ناحیه، ص 44 .
- (38) با استفاده از حکمت 77 نهج البلاغه، ص 638 .
- (39) آل عمران/14 .
- (40) نهج البلاغه، حکمت 77، ص 638 .
- (41) زیارت ناحیه، ص 44 .
- (42) كهف/46 .
- (43) انفال/28 .
- (44) زیارت ناحیه، ص 44 .
- (45) همان، ص 44 .
- (46) همان، ص 44 .
- (47) زیارت ناحیه، ص 22 .
- (48) همان، ص 26 .
- (49) همان، ص 24 .
- (50) همان، ص 22 . (غریب دور از وطن)
- (51) همان، ص 22 .
- (52) همان، ص 62 .
- (53) همان، ص 30 .
- (54) همان، ص 20 .